

در صفحات بعد میخوانید:

- چرابه مهاجران سیاسی و خانواده‌های آنان گذرنامه نمی‌دهید؟
صفحه ۶، ستون سوم
- ما، چاووشان نوزائی کبیر- شعری از احسان طبری
صفحه ۶، ستون اول
- گفت‌وگویی با چریک‌های فدائی خلق
آخرین قسمت: صفحه ۴، ستون اول
- سوموزا، محمد رضای نیکاراگوئه، دیکتاتور دیگری در آستانه سقوط
صفحه ۴، ستون آخر
- اعلام جرم علیه قاتلان رفیق شهید سروان شفا
صفحه ۲، ستون آخر
- ۲۹ اسفند - روزیکه از شرکت غاصب نفت انگلیس خلع ید شد
صفحه ۶، ستون اول

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

دوره هفتم، سال اول شماره ۲۸
دوشنبه ۲۸ خردادماه ۱۳۵۸
تک شماره ۱۵ ریال

پیش نویس قانون اساسی جدید

آغاز خوبی است برای تدارک و تصویب قانونی در خور انقلاب ایران

پیش نویس قانون اساسی جدید، که در جراید نشر یافته و آقای دکتر سبحانی وزیر مشاور، بررسی و اظهار نظر درباره آنرا از هم اکنون، توصیه کرده‌است، بنظر ما آغاز خوبی است برای تدارک و تصویب قانونی درخور انقلاب ایران، گام مثبتی است که برداشته شده، سندی مترقی است که امیدبخش است.

تصریح نکاتی که موجب تقویت و حفظ استقلال ایران و اجراء يك سياست خارجي صلح‌جویانه است، تصریح آزادیها و حقوق دموکراتیک، تصریح برابر حقوقی زنان ایران، تصریح استقلال قوای سه‌گانه، توجه به حقوق خلق‌های ایران، تصریح مجاز نبودن مالکیت‌های مبتنی به زبان بخشی اجتماعی، تصریح بکرشته مسائل مربوط به رفاه عمومی زحمتکش شهر و ده در يك سلسله مواد پیش نویس جدید، حاکی از علاقه تنظیم کنندگان پیش نویس به ارائه يك قانون اساسی مناسب با شرایط امروز و توقعات بحق جامعه ماست.

جامعه ما میخواهد به پیش برود و از رهبری انقلاب و دولت موقت انتظار دارد که باین خواست مبرم پاسخ مثبت گویند. خوشبختانه پیش نویس قانون اساسی حاکی از تلاش به دادن چنین پاسخ مثبتی است.

این پیش نویس هم چنین جواب روشنی به تبلیغات ضد انقلاب (امپریالیسم و ارتجاع شکست خورده) و بقیه در صفحه ۴

پیام کمیته مرکزی حزب توده ایران: پشتیبانی بی‌ریای ما از رهبری امام خمینی، مبتنی بر ضرورت عینی انقلاب مردم ایران است.

شعار دهها هزار نفر در مراسم ششمین سال شهادت رفیق پرویز حکمت جو:

توده‌های قهرمان راهت ادامه دارد



مادر رفیق شهید پرویز حکمت جو از روزهای آخر زندگی او میگوید. گوشه‌ای از مراسم سالگرد شهادت پرویز حکمت جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران دیده می‌شود

من از خون تو روئیده‌ام است. این مادر است: مادر پرویز! فریاد می‌زند: قربان همه شما! جوانی پیشاپیش جمعیت، رو به مادر فریاد می‌زند: درود بر تو مادر! در زمستان سختی که با پرویز در زندان بودم، بهار گفتم به مادرت بگو به زندان نیاید. پرویز گفت: بگذار بیاید. او میدانند با دژخیم چگونه بجنگد. و جمعیت فریاد می‌زند: درود بر تو مادر توده‌ای.... ۲۵ خرداد سال ۱۳۵۸ است. زمین چمن دانشگاه. ششمین سالروز شهادت رفیق پرویز حکمت جو عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران. بر دیوار شمال زمین چمن، پلاکارد بزرگی به چشم می‌آید. تصویری از رفیق قهرمان توده‌ای زینت بخش آن است و بر آن چنین نوشته شده: بقیه در صفحه ۳

برای به تعویق انداختن قانون اساسی توطئه می‌کنند

امام خمینی گفت: یک سال، دو سال، به بحث و شور قرار بدهند و ریشه‌های گندیده بهم متصل بشود و اساس اسلام را از بین ببرند... تعویق تصویب قانون اساسی و برقراری جمهوری اسلامی و استقرار حکومت اسلامی موجب این میشود که اشخاص توطئه‌گر در مرزهای ما در داخل و در خارج با هم متصل بشوند و با اتصال با هم اصل قانون اساسی و اصل اساس اسلام را پایمال کنند. امام در توضیح این توطئه‌ها گفت: «الآن دارند مزدورانی در ایران از آن طرف مرتزبه‌تربیت میکنند اگر ما بزودی مطلب را خسانه ندیم، این مزدوران مجتمع میشوند و با اجتماع آنها ممکن است مصیبتی بیار بیارند.» امام در جای دیگری از سخنان خود گفت: «این طرحی را که دولت داده است این است که همان مجلس موسسان با افراد کمتر، از خود ملت، به تصویب ملت، به انتخاب

اصول سیاست خارجی دولت باید رسماً اعلام شود

آقای دکتر یزدی - وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران. مصاحبه مفصلی با روزنامه اطلاعات (متدرج در شماره ۲۱ خرداد این روزنامه) در تشریح اصول و جوانب مختلف سیاست خارجی دولت بعمل آورده است. سیاست خارجی ما اساساً دچار ابهام است و شیوه کار دیپلوماسی دولت بیشتر به شیوه دیپلوماسی مخفی گرایش دارد تا به دیپلوماسی آشکار، که قاعدتاً میبایستی پس از انقلاب ضد امپریالیستی و ضد استبدادی ایران اعمال میگردد. مصاحبه آقای یزدی متأسفانه نه فقط کمکی به رفع این ابهام نکرده، بلکه اشاره به نظراتی دارد، که مایه نگرانی است. از جمله به نظر آقای دکتر یزدی، چون رژیم شاه مخلوع ۴۰ میلیارد دلار اسلحه خریده، اگر ما نخواهیم از این تسلیحات برای معارف نظامی یا غیر نظامی (۱) استفاده (۱) کنیم، باید لوازم یدکی این تسلیحات را تهیه کنیم و در چگونگی بقیه در صفحه ۵

قرار داد دوجانبه نظامی ایران و آمریکا باید بدون درنگ لغو شود

محموله هواپیماهای غول پیکر امریکائی چیست؟



مدتیست که کارکنان قسمت کنترل هواپیمائی فرودگاه میبندند که روزانه دو هواپیمای جمبو جت امریکائی وارد شده و در محوطه فرودگاه بارگیری میکنند و میروند. هر قطعه بار به بزرگی يك اتاق است. گفته میشود که ظاهراً یکی از هواپیماها وسایل شرکت هلیکوپتر سازی بلرا خارج میکند و دیگری لوازم وسایل سائیرش کتھای امریکائی را. حتی حدس زده میشود که مقادیر بسیاری از اسلحه که بایران فروخته شده بود و از بیت المال پول آن پرداخت شده بود، باین ترتیب دوباره خارج میشود.

که و کیف واقعه چیست؟ کدامیک از مراجع دولتی در این مسئله وارد هستند و میتوانند پاسخگو باشند؟ پرسشهای آمیخته با نگرانی کارکنان و همه مردم بجا و بحق است.

حمله ضد انقلابیون به زندان شوشتر

از نقاطی که کار سرکوب ضد انقلابیون و ادامه دادگاههای انقلاب با تملک رو برو شده است، گزارشهایی مبنی بر تشدید فعالیت عمل سرسپرده رژیم سرنگون شده شاه - ساواک رسیده است. از شوشتر گزارش میرسد که گروهی از ماموران ساواک، برای نجات یکی از همکاران زندانی خود، به زندان شوشتر حمله کرده و پاسداران و ماموران را زیر آتش گلوله گسخته اند. حمله ساواکیها به زندان شوشتر، پس از پخش اعلامیه دادگاه انقلاب اسلامی شوشتر در مورد معرفی متهمی بنام ستار کلانتر، که خود را به دادسرا معرفی کرده و تسلیم شده، صورت گرفته است.

حمله عمال ساواک به زندان، بمنظور بیرون کشیدن ستار کلانتر و باصطلاح نجات او صورت گرفته است. در این حمله پنج پاسدار بضرر گلوله مجروح شده اند، اما مهاجمین نتوانسته اند، بمقصود خود برسند و چند نفرشان دستگیر شده اند. ضمناً چندین دستگاه اتومبیل متعلق به مهاجمین نیز بدست پاسداران و ماموران زندان افتاده است. مردم انتظاز دارند نتیجه تحقیقات از دستگیر شدگان این حمله هر چه زودتر در اختیار عموم گذاشته شود.

پاکسازی از عوامل رژیم گذشته را عقب نیاوردید

همزمان با بالاگرفتن این خواست برحق مردم که سازمانها و ادارات و ارگانهای دولتی و ارتشی از وجود مزدوران رژیم سرنگون شده سابق باید پاک شود، گزارشهایی از ناآرامی در واحدهای ارتشی برای تسریع در کار این پاکسازی رسیده است.

در قزوین، افراد شهربانی قزوین، در ساعاتی که بمیابست استراحت کنند تا نوبت کارشان برسد، ضمن اجتماع در محوطه شهربانی این شهر، به توضیح حقوق حقه خود و عدم رسیدگی مسئولین امر به خواستهای آنان اعتراض کردند و خواستهای خود را طی پنج ماده در صورتجلسه ای به شهربانی قزوین تسلیم کردند. خواستهای این افراد بشرح زیر است:

- ۱- محاکمه سرهنگ صنعتی معاون شهربانی قزوین و مدیر عامل شرکت تعاونی مسکن شهربانی شهر و انتقال آنها از قزوین، که محاکمه مدیر عامل و سایر اعضای شرکت تعاونی، که صراحتاً در حضور رئیس شهربانی معترف به اعمال غیرقانونی و مغایر با اساسنامه شرکت شده اند. این عده عبارتند از: سرهنگ طیب زاده، سرهنگ صنعتی، سرهنگ محاسنی، سرگرد احمدی فر، سروان احمد وزیر، سروان راد، ستوان ایراندوست، ستوان حسین خواه و سرگرد خداپنده.

معرضین در همین اجتماع خواهان تغییر روابط افسر با زیر دست و به وجود برخورد افسران با زیردستانشان، که منطبق با اخلاق انقلاب اسلامی ایران باشد، شدند.

از کرمانشاه نیز گزارش میرسد که در جریان تظاهرات ماموران شهربانی این شهر در محوطه شهربانی، بین آنها و عده ای از بازاریان کرمانشاه، که در شهربانی اجتماع کرده و به پشتیبانی از رئیس شهربانی این شهر شعار میدادند، نزاعی روی داده که منجر به مجروح شدن عده ای شده است. ماموران شهربانی کرمانشاه علیه سرهنگ دیباچی، رئیس این شهربانی، دست به تظاهرات و اعتراض زده بودند. گفته میشود که در جریان درگیری ماموران معترض با بازاریانی که وارد شهربانی شده بودند تا بطرفداری از رئیس شهربانی تظاهرات کنند، تعدادی از زندانیان شهربانی از فرصت استفاده و فرار کرده اند.

روشهای ساواکی باید قاطعانه از بین برود

باور نکردنی است، ولی واقعیت دارد که در یکی از مدارس ناحیه هشت آموزش و پرورش، بخشنامه ای پیدا شده که در آن از رئیس مدرسه خواسته شده است که، معلمین تودهای را شناسائی نموده فوراً اخراج کنند. در بخشنامه قید کلمه «توده ای» به صراحت وجود داشته است.

این بخشنامه را چه مقامی، به چه مجوزی صادر کرده است؟ کدام دستور ورده ساواک، بسند بدون پندگیری از آنچه بر میهن ما گذشته، میخواهد بساط دوران استبداد سلطنتی را در حیطه نفوذ خود برپا کند؟

توده ایها مبارزان صدیق راه استقلال و آزادی و سعادت مردمنند و یکدم از نبرد علیه امپریالیسم و ضد انقلاب از پای نمی نشینند. مبارزانی را که برپا خاسته اند و تجربه مبارزه با ساواک و شیوه های پهنمی وی را دارند این تهدیدها مرعوب نخواهد کرد.

مقامات مسئول وزارت آموزش و پرورش وظیفه دارند تحقیق کنند که چه مقامی، به چه صورتی و از چه راهی به چنین اقدام فاحش ضد

انقلابی دست زده و دستور اخراج توده ایها را به ناحیه هشت صادر کرده است.

جلوی این روش ساواک منشا نه باید هر چه زودتر و هر چه قاطعتر گرفته شود. منتظر روشن شدن خطای و مجازات مسئول این عمل هستیم.

پیگیر تو علیه امپریالیسم اقدام کن

روزنامه «مردم» از رودر رو نوشت تلگرافی را دریافت داشته است که برای نخست وزیر و وزیر امور خارجه نیز فرستاده شده است. در تلگرام از جانب تمام مردم رودر، ملی کردن بانکها که ضربه ای مهلک بر پیگیر نیمه جهان امپریالیسم و ضد انقلاب است، مورد تأیید و تبریک قرار گرفته و خواسته میشود که شدیداً بدولت کانادا در مورد انتقال سفارتخانه آن کشور از تل اوپو به بیت المقدس اعتراض شود. در تلگرام بعلاوه گفته میشود که «ما از دولت انتظار داریم کلیه قرار دادهای ظالمانه ایران و امریکا و غیره را افشا و پایگاههای استعماری را فروریزد.»

مائوئیستها در توطئه و تحریک شرکت میکنند

مائوئیستها، که با استفاده از امکانات مختلف مراکز امپریالیستی در خارجه، بین دانشجویان ایرانی فعالیت گسترده ای می کنند، می گویند از دانشجویان فریب خورده، در راه توطئه علیه دستاوردهای انقلاب ایران، بهانه های مختلف از جمله با دستاویز دفاع از حقوق خلقها وزیر تقابلهای چپ نمایانه استفاده کنند.

طبق خبری واصله، برادر یکی از این دانشجویان، که بتازگی از خارجه بازگشته و بدام مائوئیسم افتاده است، ضمن صحبت با افتخار می گفته است: «برادر من تقی نیز همراه خلق سندج بر علیه ارتش جمهوری اسلامی می جنگید!»

بعلاوه یادآور می شود که در بین دستگیر شدگان در نبردهای سندج، چند تنی هم بوده اند که کارت دانشجویی دانشگاههای ترکیه را در جیب داشتند و در آنجا با همان محافل مائوئیستی دمخور بوده اند.

یک خبر دیگر نیز حاکیست که مائوئیستها با تحریک جوانان در تبریز تظاهراتی برای انداخته و شعار میدادند: «خلخالی خائن اعدام باید گردد!» دانشجویان مترقی و انقلابی توانسته اند مائوئیستها را در بین این گروه شناسائی کنند. روشن است که لبه تیز این حمله و شعار متوجه دادگاههای انقلابی بود.

بار دیگر مائوئیسم در کنار فعالترین نیروهای ضد انقلابی علیه مردم و انقلاب ایران موضع میگیرد. بکار بردن جملات و عبارات فریبنده چپ نما در این واقعیت تهنیری نمی دهد.

خاصه خرجی و پارتی بازیست یا برخورد انقلابی

قواعد و موازینی که در دوران انقلاب وضع شده، اگر از جانب کسانی که باید خود حافظ و پاسدار آن باشند، نقض گردد، اعتماد مردم را از بین خواهد برد و این کاریست که در نهایت امر بسود ضد انقلاب خواهد بود و باید از آن جلوگیری کرد. نمونه کوچک این مسئله را مردم و کارکنان گمرک در روز چهارشنبه ۱۶ خرداد ناظر بوده اند.

دو نفر جوان در گمرک مهرآباد میخواستند اثاثیه خود را که منجمده شامل مقداری وسایل آرایش و تزئینی بود ترخیص کنند. کارشناسان پس از دیدن اجناس و مراجعه به پرونده اظهار میدادند که، طبق قوانین کشور، این اجناس، قاچاق و ممنوع الورد است. جوانان مزبور میروند، ولی بعد از چند ساعت بانامه ای از آقای امیر انظام باز میگردند که خطاب به آقای امیر دماهی مدیر پرت جدید گمرک مهرآباد مبنی بر اجازه ترخیص (۱) نوشته شده بود.

ناچار خود آقای مدیر راساً همراه با دو جوان به کارشناسان گمرک مراجعه کرده و دستور چشم پوشی (۱) و ترخیص را صادر می کنند. کارمندان، تصویب نامه دولت بعد از انقلاب رازگس کرده و نادرست بودن این کار را یادآور می شوند. کارمندان که خود رامسئول می دانند، با تهیه فتوکپی از نامه به کمیته امام مراجعه می کنند تا مطلب پیگیری شود. در عین حال کارمندان بارها شکایت کرده اند که از طرف برخی افراد کمیتهها نیز نسبت به ترخیص کالاهای غیرمجاز و تلویزیون رنگی و غیره اقداماتی شده، که مغایر با موازین و دستورات عملیه است و متأسفانه هر گونه مقاومت در برابر اقدامات غیرقانونی و موازینی که پس از انقلاب تعیین شده، بناحق بر حسب «ضد انقلاب» می خورد و مانع از حس مسئولیت و انجام وظیفه می شود.

مردم می پرسند که آیا تا کسی خاصه خرجی و پارتی بازی ادامه خواهد یافت؟ و آیا وقت آن نرسیده که برخوردی انقلابی و بدون تبعیض داشت؟

ضد انقلاب فعال و هار شده است

اخیراً مر بوط به حمله به پاسداران و کشتن و زخمی کردن آنها دهان بدهان می گردد و این خود یکی از نشانه های تشدید اقدامات ضد انقلاب و گذار به عملیات مسلحانه فعال پراکنده است.

طبق خبر واصله، در تاریخ بیستم سرداد، سه تن از پاسداران انقلاب در حوالی تیموری، خیابان قزوین مورد حمله افراد ناشناس قرار گرفته و خلع سلاح شده اند. وقایع نظیر بدفمات رخ داده است.

نباید اجازه داد که ضد انقلاب تدارک خزننده و خطرناک توطئه های خونین خود را با خیال راحت انجام دهد. با همه وسایل باید جلوی تبهکاریها را که آبتن خطرات بسیار است، گرفت.

اعلام جرم علیه قاتلان رفیق شهید سروان نورالله شفا

آقای علی شفا، سرهنگ زرهی ستاد بازنشسته، برادر رفیق شهید سروان نورالله شفا، طی نامه ای خطاب به دادستان کل انقلاب اسلامی ایران، علیه دادستانها، رؤسا و اعضای دادگاههای بدوی و تجدیدنظر نظامی، که در محکوم ساختن و به چوبه اعدام سپردن رفیق شهید سروان نورالله شفا دست داشته اند، اعلام جرم کرده است. در زیر متن اعلام جرم را میخوانید.

دادستان محترم کل انقلاب اسلامی ایران

محترم! چنانکه خاطر عالی مستحضر است بعد از انجام کودتای ننگین مرداد ماه سال ۱۳۳۲ عوامل شاه غاصب یا تشکیل بیدادگاههای غیرقانونی و فرمایشی امپریالیسم خونخوار آمریکا عده ای از شریفترین و وطن پرست ترین افسران جوان کشور را با بی رحمی تمام بخون کشیدند که اسناد و مدارک آن در باصطلاح دادرسی ارتش موجود است.

از جمله، جنایتکاران مشروحه زیر:

- ۱- سرتیپ آزموه بعنوان دادستان بیدادگاههای فرمایشی عادی.
- ۲- سرتیپ مجیدی بعنوان رئیس بیدادگاههای فرمایشی (سپهبد بازنشسته و معدوم).
- ۳- سرتیپ ارفعی عضو بیدادگاههای فرمایشی.
- ۴- سرهنگ فرخ نیا « (سپهبد اخراجی) »
- ۵- « خیل تاش »
- ۶- « رئیس یان »
- ۷- « پیره افسر »
- ۸- « الهیاری نماینده دادستان »

و همچنین:

- ۱- سرلشکر منصور مزین بعنوان رئیس بیدادگاه تجدید نظر.
- ۲- سرهنگ جمشید جاوید پور بعنوان عضو بیدادگاه تجدید نظر.
- ۳- علیمحمد خواجه نوری بعنوان عضو بیدادگاه تجدید نظر (سپهبد معدوم).
- ۴- سرهنگ منصور پور بعنوان عضو بیدادگاه تجدید نظر.
- ۵- سرهنگ آذری نماینده دادستان بیدادگاه تجدید نظر که همگی بعداً بپاداش جنایاتشان بدرجات عالی نظامی رسیدند.

برادر جوان و تحصیل کرده من سروان شهربانی و لیسانسیه حقوق (نورالله شفا) را بجرم مخالفت با دستکاه کثیف سلطنت و مردم دوستی و وطن خواهی به اعدام محکوم و در سپیده دم روز بیست و هفتم مهرماه سال ۱۳۳۳ شهید نمودند، در حالیکه برادر جوانم که حتی در آخرین لحظات، طی نامه ای که فتوکپی آن به بیوست این اعلام جرم تقدیم میگردد، بعنوان خانواده اش نوشت، بمن با افتخار میمیرم بالاخره مرگ برای همه هست. چه افتخاری بالاتر از اینکه مرگ افتخار آمیز و در راه وطن باشد. شما میدانید که من از مصمم قلب وطن پرست بوده ام و ملت گرایی ایران بالاخره این حقیقت را خواهد فهمید و در پایان از خداوند میخواهد که خانواده اش را محفوظ بدارد.

بنابراین با عرض مراتب فوق، اینجناب سرهنگ زرهی ستاد بازنشسته، که خود در طول خدمت نظامی بملت عدم همکاری با رژیم فاسد پهلوی دچار انواع و اقسام فشار و مضیقه و محرومیت بوده ام بالاخره نیز بخواست سپهبد معدوم مقدم، رئیس اداره دوم ارتش بازنشسته ام کردند. اینک جرم بزرگ و مشهود این عوامل جنایتکار را که در طول ۲۵ سال اختناق امکان اعلام آنرا نداشته ام بدینوسیله اعلام و تقاضای تعقیب و اجرای اشد مجازات درباره کلیه دست اندرکاران این جنایت بزرگ را دارم.

سرهنگ زرهی ستاد بازنشسته علی شفا، مقیم اصفهان

حمایت مردم جمهوری دمکراتیک آلمان از انقلاب مردم ایران

از برلین، خبرگزاری جمهوری دمکراتیک آلمان اطلاع میدهد که نمایندگان مردم جمهوری دمکراتیک آلمان از انقلاب مردم ایران استقبال کردند و آنرا مورد ستایش قرار دادند. در بیانیه ای که در برلین انتشار یافت گفته شده است: مردم جمهوری دمکراتیک آلمان از پیروزی انقلاب مردم ایران، که ضربه سختی به امپریالیسم در حاورمیان وارد ساخت، استقبال میکنند. و معتقدند که این

انقلاب قدرت تازه ای به نیروهای ضد امپریالیستی بخشیده است. این بیانیه را کمیته همبستگی، کنفدراسیون اتحادیه کارگران، جنبه ملی، سازمان جوانان، اتحادیه زنان، شورای صلح جمهوری دمکراتیک آلمان اتحادیه دوستی بین خلقها و کمیته حقوق بشر آلمان دمکراتیک امضاء کرده اند. در این بیانیه گفته شده است که: ما بطور کامل از راه جلوگیری از غارت منابع طبیعی این کشور توسط انحصارگران امپریالیست حمایت میکنیم.

شعار دهها هزار نفر: «توده‌ای قهرمان، راهت ادامه دارد»



گوشه‌ای از مراسم سالگرد شهادت پرویز حکمت‌جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران

بقیه از صفحه ۱

شمین سالروز شهادت شهید بزرگ، پرویز حکمت‌جو، عضو کمیته مرکزی حزب توده ایران را گرامی می‌داریم.

سراسر محوطه را شعارهای حزب توده ایران پوشانده است: - برضد امپریالیسم امریکا، دشمن اصلی مردم ایران متحد شویم.

- ما موضع قاطع و پیگیر امام خمینی رهبر انقلاب ایران را برضد امپریالیسم امریکا تأیید می‌کنیم.

- آزادی برای همه نیروهای ضد استبدادی و ضد امپریالیستی.

- حکم اعدام شاه و همدستانش رای مردم ایران است.

جمعیت هم چنان در شعارهای خویشتن، با گرامی داشت مادر پرویز، از قهرمان شهید توده‌ای تجلیل می‌کند:

- درود بر تو مادر قهرمان! مادر به جمعیت تعظیم می‌کند.

می‌گوید: - سر تعظیم فرود می‌آورم به همه شهیدایی که در راه آزادی وطن شهید شدند.

مادر جواب میدهد: - من یک جان دادم، ولی همه شما را دارم. من مادر همه هستم.

جمعیت شعار میدهد: - درود بر حکمت‌جو، افسر حزب توده.

لحظه‌ای بعد مراسم آغاز میشود. بلندگو، سرود حزب توده ایران را پخش می‌کند: جمعیت نشسته به احترام بر می‌خیزد و این بند سرود را تکرار میکند.

حزب ما توده‌ها سازد پیروز، میرسد فردائی از پس امروز بعد از پایان سرود، رفیق رحیم نامور عضو مشاور کمیته مرکزی حزب توده ایران، پیام کمیته مرکزی را قرائت می‌کند، در پیام به تاریخ سراسر مبارزه و شهادت حزب ما اشاره شده و آمده است که در تمام تاریخ حزب، امپریالیسم، که دشمن سرسخت خود را در حزب ما یافته چگونه همه منادیان تباهی و نابکاری، همه بلندگویان ارتجاع داخلی و امپریالیسم جهانی را بکار گرفته تا توپخانه تبمت و افترا و ناسزا گوئی را بسوی حزب توده ایران بکشایند. اکنون نیز امپریالیسم سرگرم همین توطئه هاست اما موضع حزب ما اصولی است. پشتیبانی بی‌ریای ما از رهبری امام خمینی، نه ناشی از دنباله روی‌ها، بلکه مبتنی است بر ضرورت‌عینی انقلاب، که همچون کتابی پیش

روی ما قرار دارد.

در سخنان رفیق رحیم نامور، زندگی شهید حکمت‌جو در آغاز خویشتن چنین ترسیم میشود:

«پرویز در سال ۱۳۰۶ در یک خانواده روشنفکر متوسط بدینا آمد، پرویز در زندگی خانوادگی خود که به تبعیت از مأموریت‌های پدر از این شهر به آن‌شهر گشاده می‌شد، با سیمای زندگی واقعی مردم آشنا میشد. وقتی این خانه‌دوشی پایان گرفت، پرویز دنباله تحصیلات خود را ادامه داد و آنگاه مانند هزاران جوان دیگر، که تحت تأثیر شور و عشق میهن پرستی گمان می‌کردند در نظام نیز میتوانند خدماتی انجام دهند، به دانشکده خلبانی رفت. او در سال ۱۳۳۱ به سازمان افسری حزب توده ایران پیوست و پس از لو رفتن سازمان افسری حزب، توانست از ایران خارج شود. رفیق رحیم نامور سخنان خود را چنین پایان داد:

- آرمان ما، آرمان حکمت‌جو و حکمت‌جوها، پیروز است. جمعیت رفیق نامور را باشمار: - حکمت‌جوی قهرمان راهت ادامه دارد.

بدرقه میکند. رفیق شهبازی، پشت میکروفون می‌آید و پیام سازمان جوانان و دانشجویان دمکرات ایران را قرائت می‌کند. دنباله زندگی رفیق حکمت‌جو در این پیام چنین آمده است: «سال ۱۳۴۳، رفیق حکمت‌جو، همراه رفیق علی‌خاوری، برای تجدید سازمان حزب توده ایران به وطن بازگشت. مدتی بعد هر دو رفیق ما، دستگیر شدند. سخنان بعدی، رفیق صابر محمدا زاده عضو مشاور کمیته مرکزی است. هنگامیکه رفیق ابوتراب باقرزاده نام او را اعلام می‌کند، شعارهای طوفانی جمعیت میدان را در خود می‌پوشاند:

درود بر کمیته مرکزی حزب ما...

رفیق صابر در سخنان خود، از مبارزات رفیق حکمت‌جو در بیداد گاهای شاه سخن می‌گوید و اعلام می‌کند: «رفیق پرویز حکمت‌جو در بیدادگاه رژیم خونخوار سلطنتی، مرک و شهادت را در ازای مبارزه بخاطر آزادی میهنش، بخاطر زندگی بهتر توده‌های زحمتکش و بخاطر بهروزی خلقهایش پذیرا شد.»

جمعیت، رفیق صابر را باشمار: - درود بر مبارز توده‌ای!

بدرقه میکند. رفیق باقرزاده اعلام میکند که بخاطر کمی‌وقت دهها پیامی که رسیده، خوانده نمیشود و آنگاه مادر رفیق پرویز حکمت‌جو آغاز سخن می‌کند. جمعیت تاجند دقیقه باشمارهای: - درود بر ارالی، حکمت‌جو و تیزابی!

- درود بر تو مادر توده‌ای!

زنده‌یاد جبهه متحد خلق ما! - درود بر کمیته مرکزی حزب ما!

ار مادر استقبال می‌کند. مادر در سخنان خود از روزهای زندان و شهادت پرویز می‌گوید. پرویز در بیدادگاه‌های شاه به اعدام محکوم میشود. فشار افکار عمومی و مبارزه بی‌گنجه حزب در ایران و خارج حکم را به حبس ابد مبدل میکند. درخیم تصمیم می‌گیرد رفیق پرویز را از اوج یک پهلوان اسطوره‌ای بزیر کشد. از این پس تا ۲۴ خرداد ۱۳۵۳، نبرد بی‌امان رفیق حکمت‌جو با دروغ‌چیزان در زندان ادامه پیدا میکند. رفیق به راه شهادت می‌رود.

مادر می‌گوید: «۶ اردیبهشت ملاقات داشتم. پرویز خوشحال بود. نگاه از نگاهم برنمیداشت. برخلاف همیشه نمی‌خواستیم از هم جدا شویم. پرویز میگفت: تو از اینجا تا ویتنام مادری. تو نباید گریه کنی، مادر. آنروز او آخرین زندانی بود که رفت. ملاقات بعدی ۲۳ اردیبهشت بود آنروز نگهبان گفت، پرویز نیست. پرسیدم کجاست؟ گفت: ۳ شب است او را برای بازجویی به کیسه برده‌اند. روز ۲۴ خرداد انتشار داد که پرویز حکمت‌جو به مرض اوره فوت کرده است. این خبر را به دخترم می‌گویند. او به ساواک مراجعه می‌کند. که می‌گویند پرویز در بیمارستان فوت کرده. در سردخانه بیمارستان بهار، جنازه پرویز را روی یک لنگه در گذاشته بودند و روپوش کوتاهی روی آن کشیده بودند. دخترم میخواهد روپوش را کنار بزند، زندی‌پور، رسولی و تهرانی،

جلادان ساواک که حضور داشتند، می‌گویند فقط می‌توانی صورت او را به بینی و برادرت را بشناسی. روپوش را از روی صورت پرویز کنار می‌زنند: دوطرف کیسه‌گاه او دو علامت سوختگی وجود داشته. دخترم به پاهایش نگاه می‌کند ناخنهای پا تا بالا قیر سیاه پوده است. جلادان می‌پرسند: آثار شکنجه که وجود ندارد. دخترم جواب میدهد: تاریخ باید در این باره قضاوت کند.»

سخنان مادر رفیق شهید ما، با شعارهای: - توده‌ای قهرمان راهت ادامه دارد!

درود بر تو مادر توده‌ای!

درود بر تو مادر قهرمان! بدرقه میشود. سرود حزب فضا را می‌کنند. این پرویز است که با سرود می‌رود و همه جارا برمی‌کنند. پرویز دیگر هم‌جا هست. در ذرات هوا، در شعله‌های خورشید. در قلب همه آنها که انسان را دوست دارند.

پشت صحنه، پیر و جوان، مادر رفیق حکمت‌جو را دوره کرده‌اند. باران بوسه است که بردست و پیشانی و گونه‌اش می‌سازد. جوانی بصدای بلند، بی‌تی از شعر رفیق احسان طبری را که توسط رفیق آصف رزم دیده در همین مراسم خوانده شد، می‌خواند:

بنام قهرمان توده‌ای راه، کالدرین ظلمت دل خوین او، چون شجرای نوری می‌باشند

و پسری نگاه دوخته بر تصویر پرویز، زیر لب می‌گوید: مگر یاد می‌میرد؟ مگر رود می‌میرد؟ مگر توده‌ای می‌میرد؟ مگر حکمت‌جو می‌میرد؟

اطلاع

بدفتر روزنامه «مردم» روزنامه های پیک جنوب نورایران، شاطراالشعراء، صدای معاصر، ندای میهن، جبهه آزادی، راهنما، برخاش رسیده است. باتشکر از همکاران، به اطلاع می‌رساند که برای اداره این روزنامه‌ها، از این پس مرتباً «مردم» فرستاده خواهد شد. ضمناً از کلیه ارباب جراید درخواست میکنیم که روزنامه‌ها و مجلات خود را برای «مردم» ارگان مرکزی حزب توده ایران، بادرس، تهران، خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ ارسال دارند. البته متقابلاً «مردم» مرتباً برای آنها فرستاده خواهد شد.

برابری حقوق...

بقیه از صفحه ۶ سازند، مسئولان امور باید با هشاری کامل متوجه این توطئه تبعی‌کارانه باشند. طبق متن جدید قانون اساسی، زنان با مردان حقوق برابر دارند. این حق را نه بر روی کاغذ، بلکه در عمل باید شناخت. باید همه قوانین ضد زن را که طی دوران گذشته بر مناسبات اجتماعی ما حاکم بوده در دوران انقلاب زیر و زبر نمود، همه مرزهای ممنوعه را که راه بر شکوفایی قریحه زن و رشد اجتماعی و سیاسی او بسته است، از میان برداشت، تادیکر موردی پیش نیاید که زنان، این رهروان و پاسداران شایسته انقلاب، خود را همچنان در موضع تبعیض و بی‌عدالتی ببینند.

بقیه از شماره پیش

اصطلاح «ابر قدرت‌ها» نازیسم هیتلری، فاشیسم موسولینی و میلیتاریسم ژاپن

پیروزی تاریخی اتحاد شوروی در جنگ دوم جهانی بر نازیسم هیتلری، فاشیسم موسولینی و میلیتاریسم ژاپن موجب تغییر تناسب نیروها و بفتح صلح، دمکراسی و سوسیالیسم در عرصه جهانی گردید. در نتیجه این پیروزی، اردوگاه کشورهای سوسیالیستی پدید آمد. غلبه بر میلیتاریسم ژاپن در پیروزی انقلاب خلق چین عامل قاطع و تعیین کننده بود. مجموعه این عوامل امپریالیسم را بمقیاس جهانی تضعیف نمود، خلقهای مستعمرات و کشورهای نیمه‌مستعمره در قاره‌های آسیا و آفریقا و امریکای لاتین مبارزه در راه استقلال و رهایی خود از بندگی اسارت استعماری برخواستند. احراز پیروزی در این مبارزات به تلاشی سیستم مستعمراتی امپریالیسم انجامید.

طی بیست سال اخیر، که خلق های سه قاره آسیا و آفریقا و امریکای لاتین در جنبش‌های رهایی بخش ملی، مبارزاتی گسترده و قاطع در راه استقلال سیاسی و اقتصادی خود علیه دول امپریالیستی و در درجه اول امپریالیسم امریکا بر خاسته‌اند، کم‌کم و پستیانی معنوی، سیاسی و نظامی و اقتصادی اتحاد شوروی وثیقه مطمئن پیروزی در این مبارزات بوده است.

در نخستین تجاوز نظامی سه‌جانبه انگلستان و فرانسه و اسرائیل، با پشتیبانی ایالات متحده امریکا، علیه مصر، تنها دولت اتحاد شوروی بود که با اختطاری جدی و قاطع به تجاوزکاران و حمایت از مردم مصر اجرای نقشه‌های استیلا گرانه امپریالیست‌ها را عقیم کرد. خلق الجزایر در جنبش‌های استقلال طلبانه و ضد استعماری از پشتیبانی اتحاد شوروی برخوردار بود. خلق کوبا با پشتیبانی و کمک اتحاد شوروی در برابر امپریالیسم امریکا ایستاده است. خلق ویتنام به موازات دلوری حماسه آمیز خود، با برخورداری از کمکهای همه‌جانبه سیاسی، اقتصادی و نظامی اتحاد شوروی توانست پوزنه نیرومند ترین قدرت نظامی امپریالیسم جهانی را بخاک بمالد. خلقهای کشورهای عربی در سراسر تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی و رهایی بخش خود همواره مورد پشتیبانی اتحاد شوروی بوده‌اند. این اتحاد شوروی است که از ابتدای تجاوز نظامی اسرائیل با پشتیبانی امپریالیسم امریکا علیه کشورهای عربی، از مبارزات و خلقهای عرب، بویژه خلق عرب فلسطین پشتیبانی میکند و از هیچ‌گونه کمک و یاری به این خلقها دریغ نداشته. امروز نیز در مورد حل و فصل بحران خاورمیانه و آزاد ساختن سرزمینهای اشغال شده کشورهای عربی توسط اسرائیل و احیاء کامل حقوق قانونی خلق عرب فلسطین، اتحاد شوروی در مواضع عادلانه خلقهای عرب موضع درست نقطه مقابل موضع امپریالیسم امریکاست که از دولت تجاوزکار اسرائیل و سیاست صهیونیستی آن در منطقه دفاع میکند و در جبهه واحد مبارزات حق طلبانه خلقهای عرب، بدستاری و اعمال و مزدوران خود، اخلال و خرابکاری میکند.

تجربه میهن خود ما ایران نمونه بارزی از تفاوت ماهوی میان مواضع و سیاست اتحاد شوروی و امپریالیسم امریکاست بمبارزه عادلانه و بحق طلبانه خلقهاست. رژیم دیکتاتوری و ضد خلقی شاه مخلوع بوسیله امپریالیسم امریکا به کشور ما تحمیل شد؛ سیاست ضد ملی نظامیگری بخاطر حفظ منافع امپریالیسم امریکا از جانب رژیم اعمال میشد. سازمان آدمکشی ساواک شعبه‌ای از سازمان پلیسی و جاسوسی امریکا و اسرائیل بود که در کشور ما بر جان و مال و ناموس مردم میهن ما دست انداخته بود. ثروتهای ملی کشور ما بوسیله انحصارات و کمپلکس نظامی - صنعتی امریکا بستاراج میرفت. هنگامیکه تمامی مردم ایران، بر رهبری امام خمینی، به مبارزه مرک و زندگی علیه این رژیم خائس و فاسد و فارتگر برخاستند، این امپریالیسم امریکا بود که تا آخرین روز از رژیم دست نشاند و سرسپرده خود پشتیبانی میکرد؛ نقشه‌های سرکوب و خاک و خون کشیدن تظاهرات و راه پیمائیهای مردم میهن ما بوسیله مستشاران و کارشناسان نظامی امریکائی و دستیاران آنها طرح ریزی و اجرا میشد. کارتر رئیس جمهوری امریکا بود که تا آخرین روز، در اعلامیه‌های رسمی خود، از شاه مخلوع پشتیبانی میکرد. این امپریالیسم امریکا بود که انقلاب مردم ما را با تجاوز و مداخله نظامی و اشغال نظامی خاک میهن ما تهدید میکرد و می‌کند. در مقابل، موضع قاطع و پیگیر دولت اتحاد شوروی در پشتیبانی از انقلاب مردم ایران و اختطاری رسمی و جدی آن، با امپریالیسم امریکا، به مردم ایران کمک کرد. نقشه‌های تسه‌کارانه دولت امریکا را برای سرکوب انقلاب ایران عقیم گذارند.

پس اتحاد شوروی را که در سراسر تاریخ موجودیت علیه همواره از مبارزات خلقها علیه ظلم و ستم استعمار و استتیا پشتیبانی کرده چگونه میتوان امپریالیسم امریکا که بر خلقها ظلم و ستم و استعمار و استتیا روا داشته، در یک سطح قرار داد و هم سنسک دانست؟

جعل اعلامیه بنا به حزب توده ایران در کرمانشاه

از کرمانشاه و شهرها و روستاهای اطراف آن خبر می‌رسد که اعلامیه‌های توده‌ای آمیزی با مضامین حزب توده ایران میشود که در آن مردم را به شورش و دعوت میکند. دبیرخانه کمیته مرک حزب توده ایران ضمن تکذیب اعلامیه‌ها، اعلام میدارد که این تحریک توطئه عوامل امپریالیسم و ارتجاع است. منظور لطمه زدن به حیثیت و اعتبار توده ایران و نفاق افکنی بین نیرو انقلابی انجام می‌گیرد.

دبیرخانه کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۳۵۸/۳/۲۳

آخرین قسمت

گفتگویی با چریکهای فدائی خلق ایران درباره مسائل انقلاب ایران

نظری به مواضع چریکهای فدائی خلق ایران

چنانکه یاد کردیم، چریکهای فدائی خلق ایران متأسفانه مواضع پیگیری اعلام نکرده‌اند. سیاست و مشی آنها پرازنوسان و روزانه خوری است. با این حال در میان چریکهای فدائی خلق بسیاری که کسانیکه درست می‌اندیشند و در فکر چاره‌اند، نوشته‌هایی از نوع «بازم درباره وظایف اساسی ما»، «چند مقاله درباره مسائل کنونی جنبش» از «علی کشتگر»، نمونه‌هایی است از کوشش برای طرح درست مسائل. در جزوه «بازم درباره وظایف اساسی ما» اندیشه‌های درست زیرین درباره

انقلاب ایران مطرح شده است: «هیچ عاقلی نمیتواند تصور کند که تشدید دشمنی‌های درون جنبش خلق عین دوستی با طبقه کارگر است. درست برعکس، از رشد تفاهم میان جریانهایی وابسته به اقلیت و طبقات مختلف خلق، پرولتاریا بیش از همه سود خواهد جست.

عناصری که مضمون حرکاتشان سنگ‌اندازی و توطئه‌چینی در راه تشکیل نیروهای وابسته به خرده بورژوازی رادیکال بوده است، خیال کرده‌اند که با زیرپا نهادن عرف موجود و ضوابط منطقی در روابط بین جناحهای مختلف جنبش خلق، میتوان سهم پرولتاریا را در جنبش خلق افزایش داد و زمینه را برای رشد شتابان جنبش کمونیستی فراهم ساخت. آنها با زیرپا بردن زمینه‌های تفاهمی که بعد از سالها بدبینی و نفرت در درون جنبش خلق، در حال شکل‌گیری بود، هم بدترین و پیچیده‌ترین مشکلات را برای رشد جریانهایی مارکسیستی ایجاد کرده‌اند و هم به گسترش دامنه عمل و نفوذ جناحهای ضد مارکسیست آن کمک کرده‌اند.»

نویسنده جزوه، با آنکه متأسفانه درباره خصلت فعلی انقلاب، بحد کافی نیاندیشیده، درباره اصل مطلب، که وحدت نیروهاست، نظر درستی ابراز میکند و میگوید:

«باتوجه به ویژگیهای خاص جامعه ما و ترکیب نیروهای شرکت کننده در جنبش دموکراتیک علاوه بر زحمتکشان روستا، شرکت خرده بورژوازی و دیگر زحمتکشان شهر و وحدت این نیروها با طبقه کارگر دارای اهمیت استراتژیک است.» نویسنده نگران آنست که مبادا اشتباه دوران مصدق تکرار شود و برخی عناصر پراکنده مارکسیست، «از فشار نیروهای خرده بورژوازی، به تنگ آیند و به بیماری کودکی دچار شوند و در برابر رهبری فعلی بخش غیر کارگری جنبش خلق» به همان اشتباهی دچار شوند که حزب توده ایران نسبت به مصدق دچار شده. نویسنده نگران است که گروههای معینی اهمیت استراتژیک وحدت طبقه کارگر با نیروهای غیر کارگری را درک نکنند و نقششان صرفاً این باشد که «با کارگرزدگی خویش جنبش طبقه کارگر را به انزوا و حتی به مقابله خصمانه با سایر بخشهای خلق بکشانند.»

نویسنده جزوه بدرستی تأکید میکند که:

«باید با تأکید بحق بر منافع طبقاتی، با تأکید برواقیات اجتماعی برخطر مرزهای میان طبقات صحنه گذاشت. باید بر وحدت منافع همه طبقات خلق، که در نابودی سلطه امپریالیسم و پیروزی انقلاب دموکراتیک نهفته است، راههای همکاری و اتحاد همه طبقات خلق را هموار و هموارتر کرد.»

در این جزوه، موضوع «همومنی طبقه کارگر» نیز از زاویه درستی مطرح شده و نویسنده بروشنی نشان داده است که همومنی طبقه کارگر را «باشعار» نمیتوان حل کرد. کسانیکه به اتحاد طبقه کارگر با سایر نیروها توجه نمیکند، چگونه

میتوانند از همومنی طبقه کارگر سخن بگویند؟ کسانیکه «جنبش توده‌ای کنونی را به دلیل عدم تأمین همومنی ایشان بر آن» نفی میکنند، خطای سنگین و مهلک مرتکب میشوند. کسانیکه «هویت مستقل طبقه کارگر را در انزوای این طبقه میدانند»، اپورتونیست‌اند. (تکیه همه جا از ماست)

متأسفانه این اندیشه‌های درست، در سایر انتشارات سازمان چریکهای فدائی خلق ایران گسترش نیافته و به راهنمای عمل بدل نشده است. در فعالیت‌های روزمره سازمان، اقدامات نامسئله کم نیست و دوستان چریک ما نظریات ضد مارکسیستی و ضدلیننی محافل ماوئیستی را با آسانی بیشتری می‌پذیرند و نسبت به محافل بورژوازی و لیبرال محبت بیشتری احساس میکنند تا نسبت به مارکسیسم - لیننیسم و حزب طبقه کارگر ایران، حزب توده ایران.

پایان سخن

دوستان عزیز! هنوز گفتنی بسیار است و شاید شنیدنی بیشتر ما راه گفتگو را نمی‌بینیم. هم چنانکه در آغاز گفتیم، لحظه حاضر بینهایت حساس و برای انقلاب ایران و سازمانهای سیاسی منوروش ساز است. درست حساسیت این لحظه و احساس مسئولیت در برابر جنبش انقلابی و کارگری ایران ما را به نوشتن این سطور واداشته است.

سازمان شمار گذشته اشتباهات بزرگی مرتکب شده، ولی همواره خود را با این فکر تسکین داده است که این اشتباهات صادقانه بوده و بسیاری از اعضاء و فعالین سازمان قهرمانانه شنیده شده‌اند. ما هرگز در این صداقت تردید نکرده‌ایم، و هرگز وارد این بحث هم نشده‌ایم که زیادی تعداد شهیدان، همواره و در هر شرایطی موجب افتخار نیست. آنچه که امروز تأکید بر آنرا ضرور میدانیم اینست که، برای پیروزی صداقت لازم است، ولی کافی نیست. باید سیاست درستی داشت. باید نیروی بزرگتر از دشمن تجهیز کرد و آنرا بخوبی رهبری نمود. بعلاوه معیار صداقت هم عمل است. نمیتوان بطور مداوم نظریات نادرست را پذیرفت و نظریات درست را طرد کرد و انتظار داشت که مردم آنرا بصباب صداقت بگذارند. روزگاری در کشور ما خفتان شدیدی حکمفرما بود. جوانان دسترسی به مارکسیسم - لیننیسم نداشتند.

در کشورهای غربی نیز، در میان روشنفکران خرده بورژوا، عقاید ضد انقلابی امثال رژی دبره‌ها و ماو‌ها بجای آخرین کلام انقلابی پذیرفته میشد. سازمان شما بروی این نظریات بنا شد و همه گفتیم که اشتباه صادقانه بود. اما امروز وقتی امکان وسیع انتخاب وجود دارد، چه باید گفت؟ وقتی فاصله ستاد شما با دفتر «مردم» چندصد متر بیشتر نیست و شما بسادگی میتوانید درستی یا نادرستی ادعائی را بررسید، تکرار این دروغ گروهک‌های ماوئیستی در اسناد شما، که گویا حزب توده ایران در ۱۵ خرداد ۴۲ خمینی را محکوم کرده بود و امروز دنبالش میدود، چگونه قابل توجیه است؟ لجاجت کودکانه؟ ترس از واقعیت؟ فایده‌اش چیست؟ در روزهای جوشان انقلاب، حوادث سریعتر از آن جریان می‌یابد که واقعت مدت طولانی پنهان بماند.

دوستان عزیز! جنجال بر سر خرده بورژوازی و به اصطلاح «آخوندیسم» و نظایر آنرا درست کسانی براه انداخته‌اند که خواستار تقویت ارتجاعی این جوانب خرده بورژوازی و «آخوندیسم» اند. به سنگر مقابل ما، آنجا که امروز در ظاهر از «دموکراسی» دم می‌زنند، بشکرید! قشریترین روحانیون ضد کمونیست در آن سنگر جا گرفته‌اند و آب به آسیاب آن می‌ریزند. آیا شما واقعا این صف‌بندی روشن را نمی‌بینید؟ ما می‌گوییم در این صف‌بندی روشن باید جای روشنی داشت. یک پادریک سنگر و یک پادریک دیگر، «استقلال» نیست. اگر به «خلق قهرمان فلسطین» درود بیکران می‌فرستیم و با کمال افتخار آمادگی کامل خود را برای شرکت در جبهه نبرد اعلام میداریم، دیگر نباید در جبهه داخلی در کنار کسانی باشیم که فقط خواستار «کمک معنوی» به جنبش فلسطین‌اند. اگر صبح در تظاهرات وسیع ضد سنای آمریکا صادقانه شرکت خواهیم کرد، شب نباید از مجمعی دفاع کرده باشیم که شمار گردانندگان واقعی اش جلب نظر امریکاست.

هنوز گفتنی بسیار است و شاید شنیدنی بیشتر ...

پیش‌نویس قانون اساسی آغاز خوبی برای تدارک و تصویب قانونی در خور انقلاب ایران

بقیه از صفحه ۱

همسرانی ناخوشایند همه کسانی است که از «خطر فاشیسم» دم می‌زنند و مایل بودند امام، شورای انقلاب و روحانیت مترقی را (که در انقلاب سهم برجسته‌ای ایفا کرده‌اند) حامل یک سیستم جدید فشار سیاسی و انحصار ایدئولوژیک معرفی کنند! پیش‌نویس از این ادعا، در آن حد که مربوط به تنظیم طرح قانون اساسی است، سنگی بر سنگ باقی نمی‌گذارد.

بنظر ما، در پیش‌نویس تهیه شده، علی‌رغم جهات مثبت فراوانی که برشمردیم و تبیین‌کننده چهره آنست، هنوز نقائص وجود دارد، هنوز باید تکمیل‌هایی صورت گیرد و اصلاحاتی بعمل آید که ما آنرا در شماره آینده، ضمن مقاله جداگانه‌ای مبسوطاً بیان خواهیم داشت. هدف ما در این گفتار موضع‌گیری اصولی است و ما این موضع‌گیری اصولی را برای مقابله با تمام کسانی که جامعه را از یک سیر ناگزیر بسوی «شکل نوین استبداد» بیم میدادند، ضرور شمردیم.

درباره شیوه تصویب طرح قانون اساسی نیز چارچوچال‌های حساب شده و هدفمند کم نیست. کارگردانان پس‌پرده، «مجلس موسسان» را بعنوان یک بهانه «دمکراتیک» علم کرده‌اند، برای آنکه جریان تصویب قانون اساسی را، که هم‌اکنون بسی به عقب

افتاده، چندان دراز کنند که بنابه تصریح امام، توطئه ضد انقلابی آنها تضحیح یابد و آنها نتوانند انقلاب پیروزمند ما را در مرداب دشواریها و گمراهیها و سردرگمی‌ها دخیل کنند.

ما نظر اصولی خود را درباره مجلس موسسان بارها بیان داشته‌ایم. ما با تشکیل یک مجلس موسسان موافق هستیم. ولی برخلاف افراد «ملائقی»، برای ما در مسائل محتوی اصل است نه شکل، بدون آنکه اهمیت شکل را برای متجلی ساختن هر چه بهتر و رساتر محتوی مورد تردید قرار دهیم.

محتوی در این جریان عبارتست از: تصویب هر چه سریعتر یک قانون اساسی دمکراتیک و در خور انقلاب بزرگ ما. حالا این محتوی مهم، اگر مراحل تصویب خود را نیز سرعت و با موفقیت طی کند، البته بهتر. آنچه که آقای دکتر سجایی بعنوان مجلس موسسان بیان داشته و امام نیز در اظهارات اخیر خود تصریح کرده، چون روشی است در جهت تسریع تصویب قانون اساسی و سیر جامعه بسوی تثبیت نوین، مورد موافقت ماست. نباید اجازه داد که کارگردانان پس‌پرده (سیاه‌موساد - ساواک) موفق گردند از تثبیت وضع جلوگیری کنند و انقلاب را به هرج و مرج بدل نمایند. زیرا بهمان نحو که امام بدرستی تصریح کرد، رفع مشکلات بزرگ موجود در صنعت، کشاورزی،

فرهنگ، بازرگانی و غیره منوط به ایجاد تثبیت قانون نوین است. اکنون نمی‌توان از حل این مشکلات با تمام قدرت سخن گفت، زیرا همه چیز در حال گذار و موقت است. ولی با ساختارمند شدن نظام نوین، آنگاه وقت حل قطعی مشکلات جامعه است.

تأکید ضد انقلاب و هم‌وایان آگاه و ناآگاهش، درست طولانی کردن این دوران بلا تکلیفی گذار است تا مشکلات زندگی و اداری و اقتصادی تعمیق شود و از درون آن دیو ضد انقلاب سر برآورد. حزب توده ایران در گذشته بارها این خطر را تأکید کرده است. اینک امام خمینی نیز در این زمینه اعلام خطر کرده است و ما نیز، با تأیید نظر ایشان، بار دیگر اعلام خطر می‌کنیم.

پیش‌نویس قانون اساسی را در جهت تقویت خصلت مترقی آن بازمه کاملتر کنیم! آنرا با سرعت از شور مجلس موسسان محدود و سریع‌العمل بگذرانیم! آنرا به رفتارندوم بگذاریم و نظر صائب و معتبر خلق را پشتوانه تصویب قرار دهیم! سپس با همان سرعت مجلس، دولت، ریاست جمهوری، ارگانهای قضائی و اداری و اقتصادی و شوراها و واحدهای خودمختار ملی را بوجود آوریم و در ایران نو، دست به اصلاحات عمیق برای اشاعه عدالت اجتماعی بزنیم! چنین است راه و نظرها.

سوموزا، محمد رضای نیکارا گوئه دیکتاتوری دیگر در آستانه سقوط

ژنرال سوموزا، دیکتاتور خون‌آشام نیکاراگوئه نیز مانند همه خود کامکان تاریخ دولت خود را، اگر نه ابد مدت، دست کم قائم به میل و دلخواه خود میدانند. وی نیز مانند محمد رضا، که تا سالیان دراز دیگر وعده دوام سلطنت خود را به خود و دیگران میداد و ابلهانه امید داشت - البته به انکاء ابلهانه تر از ابان امپریالیست خود - که مرده ریک حکومت استبدادی خود را به «وارث‌خلف» خویش باقی خواهد گذاشت، خوشبینانه می‌گوید: «پیش از انقضاء مدت سلطنتم در مه ۱۹۸۱ کناره‌گیری نخواهم کرد»

ز مدت چهار و پنج سال حکومت فعال می‌شائی پدر و پسر، خانواده سوموزا تروئی حدود سه میلیارد دلار به جیب زده است. موسسات حمل و نقل، معادن، مزارع قهوه و پنبه، هتلهای، کارخانه‌های نیکاراگوئه و حتی پارک متروهای ماناگوا به سوموزا تعلق دارد و برای حفظ این منابع عظیم فارت و مال‌اندوزی، فقط یک راه حل سراغ داشته و آن سرکوبی سیمانه هر گونه مقاومتی است.

امپریالیسم یانکی در نیکاراگوئه نیز مانند ایران از نظام ددمنشانه دیکتاتوری، نه «از سریشفتگی به حقوق بشر» و تحت جاذبه مسیحایی «آزادی»، بلکه به گفته یک استاد برجسته دانشگاه امریک - که خبرگزاری تاس در گزارشی از نیویورک به قول وی استناد کرده است - فقط در طلب آزمندانه تسخیر منابع نفت و انواع منابع ثروت‌زا و سودبخش دیگر، دفاع و پشتیبانی می‌کند. این استاد برجسته امریکایی راز و علت حمایت امپریالیسم امریکارا از حکومت دزخ‌گونه سوموزا افشاء کرده است. «زاهدلاری که ایالت متحده در امریکای لاتین سرمایه‌گذاری می‌کند، سه دلار سود بدست می‌آورد»

برای تحصیل این سودها و تأمین منافع دیگر، از جمله هدفهای استراتژیک است که کاخ سفید واشنگتن، فرمان سفید مهر قتل‌عام را در ایران و نیکاراگوئه، به محمد رضاها و سوموزاها می‌دهد!

لکن دیگر دوران سوموزا سر آمده است، چنانکه حتی روزنامه‌های جهان سرمایه‌داری در مقالاتی تحت عنوان «سلطنت سوموزا در نیکاراگوئه در معرض تهدید قرار گرفته است» این نکته را تأیید می‌کنند که این بار زمین زیر پای سلطنت سوموزا می‌لرزد. ماناگوا چند روزی است که به صحنه نبردهای خونین میان مردم مسلح و ساندنیستها از یک سوی و گارد به اصطلاح ملی سوموزا از طرف دیگر مبدل شده است. امپریالیسم امریکاندر نیکاراگوئه نیز مانند واپسین روزهای دیکتاتور ایران، به آخرین تلاشها برای حفظ سوموزا دست زده و درهما نحال میخواهد خود را از زیر ضرب مستقیم خارج سازد.

سفارت امریکا در این شهر دستور داده است که زنان و کودکان دیپلماتهای امریکایی از نیکاراگوئه خارج شوند. از طرف دیگر عده زیادی از سه‌هزار نفر امریکایی که در نیکاراگوئه اقامت دارند شتابان از این کشور خارج شده‌اند.

خبر گزارها همچنین درباره گسترش فزاینده قیام و مبارزه مردم نیکاراگوئه با رژیم دست‌نشانده امپریالیسم امریکادارین کشور اخباری مشروح منتشر کردند. هم‌زمان با اوچگیری این مبارزات، هزاران نفر از مردم مسلح، چهار شهر مهم نیکاراگوئه را آزاد کردند، رژیم خیانتکار سوموزا را لحظه با موج دانگستر قیام در داخل پایتخت و حمله چریکهای ساندنیست بدان، مواجه است. حتی اربابان امریکایی دیکتاتور نیکاراگوئه ضمن اعلام پشتیبانی از وی، درباره خطر سقوط او ابراز نگرانی

سخنان خود گفت: «امروز اشکال باین قشرا محتمل است از ناحیه اشخاصی باشد که توطئه بزرگ را میخواهند انجام دهند. در وقتی که قانون اساسی را میخواهند طرح کنند و بنظر ملت برسانند، ذکر این مسائل یا توطئه است یا جهالت. امام خمینی در پایان سخنان خود گفت: «آنهائی که در اشتباه هستند بر گردند و بدانند توطئه در کار است و بدانند که من کمال علاقه را به آنها دارم و نمی‌خواهم سوء ظن پیدا کنم. آن شیاطینی هم که می‌خواهند توطئه بکنند، ملت ما بیدار است و این توطئه‌ها را خنثی خواهد کرد.»

برای به تعویق ... بقیه از صفحه ۱ اشکال کنی ببازار. وقت اینست که با هم مجتمع برای تصویب قانون اساسی و تسریع در آن، که در ظرف یکی دو ماه تمام بشود و نه یکی دو سال طول بکشد، تا اینکه توطئه‌ها فصح بگیرد.» امام در بخشی دیگر از

توجه! اطلاع میرسد که کسانی در اردوی غربی بنام حزب بجمع‌آوری کمک مالی دست زده‌اند. یادآور میشویم که هر گونه کمک مالی به حزب در خارج از کشور - اگر بوسیله واحدهای حزبی نباشد - باید بحساب بانکی ما در استکهلم (سوئد) پرداخت گردد. «مردم»

کارگران شرکت «فام راه» خواستار اجرای طرح پیشنهادی خود هستند



کارگران کتابفروشی و انبار های مربوطه سندیکای خود را تشکیل دادند

بنابعد دعوت شورای مؤسس، مجمع عمومی کارگران کتابفروشی و انبارهای مربوطه، با حضور نماینده وزارت کار، در تاریخ ۱۸ اردیبهشت ۱۳۵۸، در خانه کارگر تشکیل شد. نخست رئیس سنی جلسه و معاون و همچنین هیئت نظار از طرف شرکت کنندگان تعیین و سپس گزارش شورای مؤسس سندیکا خوانده شد. پس از آن طرح اساسنامه سندیکا به شور گذاشته شد، که پس از نظر گرفتن اصلاحات و موافقاتی که از جانب کارگران پیشنهاد شده بود، به تصویب رسید.

کارگران روزمزد اداره کل راه و ترابری استان گیلان خواستهای خود را مطرح میکنند.

کارگران پرسیده اند که آیا،
۱- ما رسمی خواهیم شد یا نه؟
۲- آیا دولت برای جبران سالها رنج و حرمان ما، اقدام عاجل و مؤثر خواهد کرد یا نه؟
۳- آیا دولت تصمیم نهایی را که بیشتر محتاج به زمانست اتخاذ خواهد کرد و مشکلات زندگی روزمره ما را بررسی خواهد کرد یا باز هم نه؟

۲۳ سال کار و ۶۰۰ تومان مستمری

محمدآدم جی ضمن نامه شکواییه ای که در اختیار «مردم» گذارده می نویسد: «پس از ۱۱ سال کار در کارخانه پارس آمریکا، متعلق به القاتیان، به علت آنکه از طرف کارگران کابندید نمایندگی شده بودم، از کارخانه اخراج گردیدم. باین ترتیب که کارفرما مبلغ سی هزار تومان ساواک پرداخت تا از من تمهید بگیرند که با رضایت خودم از کارخانه بیرون روم. کارگران بمنظور اعتراض به این اقدام ضد کارگری ۳ روز اعلام اعتصاب کردند، ولی نتیجه ای نداد و من و تعداد دیگری از کارگران اعتصابی، اخراج شدیم. اکنون مدت ۶ سال است که مرخصی و خانه نشین هستم. یادآور می شود که قبلا ۱۲ سال در کارخانه پارچه بافی آذربایجان تزیوین سابقه کار کار داشته ام. اما پس از دو نوبت گلهای خانوادهم، فقط مبلغ ۶۰۰ تومان مستمری بمن پرداخت میشود که باید عائله ۶ نفری خود را با این پول اداره کنم. تعداد زیادی از کارگران این کارخانه، صحت شکواییه آقای محمدآدم جی را با امضاء خود تأیید کرده اند.»

آشوبگری عمال ساواک سابق در دهات غرب کشور



روستائیان بین راه کرمانشاهان و قصرشیرین، علاوه بر سایر مشکلات، دچار این مشکل هستند که تعداد زیادی از عمال رژیم سابق و ساواکیها و پاسبانان فراری دستجات راهزن و غارتگری درست کرده اند و مرتباً مزاحم روستائیان میشوند. از سرهنگی که سابقاً رئیس ساواک قصر شیرین بود تا ستوان و پاسبان مسلح، سرگردنه را میگیرند و مبدل به نیروی ضربتی فعالی شده اند که جان روستائیان را با حملات و زور-گوئیهای خود بلب میاورند. این دستجات از پشتیبانی فئودالها و مالکین خونخوار محلی نیز برخوردارند و نه فقط دهقانان زحمتکش را مورد ایداء قرار میدهند، بلکه دائماً خطری علیه انقلاب بوده و ریشه کن کردن آنها خواست دهقانان زحمتکش و نیاز جدی انقلاب ایران است. گزارشگران ما مینویسند که، در منطقه وسیع بین اسلام آباد غرب و قصرشیرین، دست نشاندهگان و عمال منفور رژیم سابق (حاجب خانی سرهنگ، بسامی سروان، سبزه ای ستوان) مشغول خدمت به ضد انقلاب و غارت روستائیان هستند، بحدی که اکثر روستاهای منطقه تدریجاً از سکنه تهی میگردد. این گرده گران اختلافات عقیدتی و عشیرتی را هم بین مردم منطقه دامن میزنند (بین اهل تسنن و اهل حق). عوامل سیا و ساواک و قبیحانه عمل میکنند و هر دسترا عامل سرقت و قتل و غارت معرفی میکنند، آنها جنگهای محلی براه انداخته اند و قتل و غارت روزافزون شده است. اگر سابقاً محدود عملیات آنان از سر میل (روستائی نزدیک کرد) تا سریل زهاب را دربر میگرفت، اکنون از کرد تا قصر شیرین را دربر میگیرد. مسافرتهای شبانه متوقف شده و دهات زیادی از قبیله یاران- زرد- پیران- شیوم- زهاب- سه گان- هیدوند- قلمه شاهین- پایطاق- سرخه ریز- شیره جیل- سه میل بوسیله این اشرار غارت و ویران شده است.

منافع دهقانان این مناطق و مصالح انقلاب ایجاب میکند که هر چه زودتر و قاطعتر علیه این عمال فراری ساواک و آشوبگران اقدامات جدی انجام شود.

حزب توده ایران نظر خود را درباره لایحه قانونی مطبوعات اعلام کرد

بیزر دعوت وزیر ارشاد ملی از احزاب، برای اظهار نظر درباره لایحه قانونی مطبوعات، کمیته مرکزی حزب توده ایران در تاریخ ۲۳ اردیبهشت ۱۳۵۸ نظر خود را درباره این لایحه رسماً و کتابدار اختیار وزیر ارشاد ملی قرارداد.

دوام تجاوز اسرائیل

و اعتراف گستاخانه به نقض حاکمیت ملت ها

سربازان نروژی نیروی صلح سازمان ملل متحد برای جلوگیری از حمله راستگرایان مسیحی «لبنانی» مورد حمایت اسرائیل به یک شهر مرزی لبنان، ناگزیر از مداخله شدند. همزمان با این حمله، بگفته گواهان عینی، «واپسایهای اسرائیل نیز در آسمان این ناحیه پروازهای اکتشافی انجام دادند. به گزارش خبرگزاری فرانسه، مناخیه بکون تجاوزکار، طلبکار هم از آب درآمد و ضمن صدور اعلامیه ای شدیداً به کسانی که در خارج از اسرائیل و در داخل این کشور سیاست او را در مورد احداث آبادیهای یهودی نشین در سرزمینهای متعلق به اعراب مورد انتقاد قرار میدهند، حمله کرد. وی آب پاک را روی دست چنانیان ریخت و گفت: «یهودیان حق دارند در هر نقطه ای از «ارض فلسطین تورات» که دلشان بخواهد، سکونت اختیار کنند؛ بیت المقدس پایتخت و واحد اسرائیل باقی خواهد ماند (۱) و اسرائیل هیچگاه به ایجاد دولت فلسطین تن در نخواهد داد» صلاح خلف- ابویادفخمسیت برجسته و مبارز فلسطینی در تشریح این سیاست تجاوزکارانه و توسعه طلبانه اسرائیل، در مصاحبه ای با دو روزنامه «الوطن» و «السامیه»، چاپ کویت اعلام کرد که اسرائیل برای تهاجم وسیع به جنوب لبنان آماده میشود هدف این تهاجم وارد آوردن ضرب به نهضت چریکی فلسطین و ملیون لبنانی است. وی تصریح کرد که اوضاع لبنان، اقدام سریع از ناحیه اعراب را ایجاب می کند.

از کمکهای رفقا و دوستان

سپاسگزاریم
ر.س. ۲۰۰ ریال
فرانک ۴۰ ۵۰۰
از دوستانی که برای ما کمک مالی میفرستند و آنرا بدرستی یک وظیفه انقلابی تلقی میکنند، خواهشمندیم که در صورت تمایل به اعلام نام (یا حروف اول نام)- برای اطمینان از وصول آن - صندوق حزب - حتماً این نکته را قید کنند، یا بدوستی که کمک خود را توسط او میدهند، این نکته را متذکر شوند.
س-۷۱ ۲۰۰۰ ریال
س-۷۱ ۲۰۰۰
گروه شکرده ۵۰۰۰۰
اعضای و هواداران گروه سیامک
نویسندگان ۱۵۰۰۰۰ ریال
۵۰۵۰ ریال



فلسطین: برای ریشه کن کردن آمریکا، در ائتلاف مستحکم با اتحاد شوروی

خبر گزارای رسمی فلسطین «وفا»، اطلاع میدهد که: «مجله هفتگی «فلسطین الثوره»، ارگان مرکزی سازمان آزادیبخش فلسطین، در مقاله افتتاحی شماره جدید خود، تحت عنوان «آمریکا کجاست؟»، از رژیمهای عرب دعوت کرد که فوراً اقدام به کوبیدن آمریکا بنمایند و آنرا از جامعه عربی بیرون رانند.» «مجله میافزاید: «امپریالیزم آمریکا امری جدید نیست؛ بلکه در این کره زمین موجود است و در آمریکای شمالی، در خاور میانه، در رژیمها، در فرهنگ و مصرف و سیاست حضور دارد و در تجاوز اسرائیل دخالت میکند.» «فلسطین الثوره»، ارگان رسمی سازمان آزادیبخش فلسطین، اضافه میکند: «انقلاب فلسطین تصمیم دارد که ماهیت اعرابی را که با آمریکا سازش دارند، بر ماسازد انقلاب و خلق فلسطین در معرض هجوم وحشیانه آمریکا است. انقلاب فلسطین میخواهد دشمن اساسی خلقها، یعنی آمریکا را که همانند دهان اژدها است، چنانکه رهبر انقلاب برادر ابوعمار گفته است، شناسائی کند و لذا دعوت میکند تا جبهه پایداری عربی با ائتلاف مستحکم با اتحاد جماهیر شوروی ایجاد شود.

یکی از کارگران سند لیبیان میگوید:

اگر در گذشته نمیتوانستیم وضع اسفبار زندگی و خانه های مخروبه خود را بازگو کنیم، اگر نمیتوانستیم بگوئیم که در کنار این خرابیها، برای کارگران و کارشناسان خارجی کمپنیکهای عالی ساخته اند، اگر نمیتوانستیم بگوئیم که صدعت دورتر از این ویرانه ها، شاه در پشت سد در قصرهای طلائی زندگی میکند، امروز که میتوانیم با صدای بلند بگوئیم: آقای وزیر نیرو بیایید و از این محل نیز بعنوان یکی از حلی آبادها دیدن کنید.

Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 0400 126 50
Dr. John Takman
Sweden

رفقا و دوستانی که در خارج از کشور اند، میتوانند کمک سالی خود را به نشانی زیرین ارسال دارند:
Sweden

اصول سیاست...

و چوپان را به یک چشم بنگریم، عملاً گرگ را همراز خصلت درندگی ندانسته ایم و چوپان را نیز زائد ندانسته ایم، که البته کمکی به گوسفندان نخواهد بود. اقدام مثبت پیوستن ایران به جرگه کشورهای غیر متعهد، که محتوی آن میبایستی ضد سطره جوئی امپریالیستی باشد نیز - از نظر دکتر یزدی - بخاطر اینست که ایران در درگیریهای سیاسی، تبلیغاتی یا نظامی بین ابرقدرتها هیچیک از طرفداران نگردد؛ و چون این امر عملاً مقدور نیست و ایران ندر آسمان هفتم، بلکه در روی همین زمین قرارداد و خواه ناخواه در مسائل بین المللی میبایستی موضعگیری کند، دکتر یزدی در

بندیشان ورود ایران را در یک لوآزم مورد بحث نظامی است، بنا بر این قرارداد ما هم نظامی خواهد بود؛ بزبان ساده، وزیر خارجه هنوز معتقد است که میتوان با کشورهای که با ایران اسلحه فروخته اند، بنام خرید لوآزم بیدکی قرارداد نظامی بست؛ و یا مثلاً آقای دکتر یزدی، در پاسخ به این سؤال که: «آیا تصور میکنید یک پیمان دفاعی با کشورهای منطقه خلیج فارس برای دفاع از حوزه خلیج فارس مفید باشد، نه فقط پاسخ منفی نمیدهد، بلکه میگوید: «تاکنون پیشنهادهای در این مورد نشده است.» و در پاسخ سؤال دیگری درباره لزوم دفاع از سواحل ایران میافزاید که ایسن وظیفه باید انجام گیرد چه با بعضی از کشورهای متحد باشیم و چه نباشیم؛

صلح بین المللی، آزادی ملل اسیر، رهائی از استعمار امپریالیستی نوین، استقرار مناسبات برابر حقوق همه خلقها در همه عرصه های زندگی قرار میگیرد. با اتخاذ چنین سیاستی، اقدامات وزارت خارجه پاسخگویی انقلاب ضد امپریالیستی ایران خواهد بود، از تناقضات رهائی خواهد یافت، راه بسوی تأمین استقلال کامل ایران خواهد گشود. متأسفانه و با نگرانی باید گفت که سیاست خارجی فعلی دولت از قاطعیت ضد امپریالیستی برخوردار نیست. اصول سیاست خارجی دولت میبایستی تدوین و رسماً اعلام گردد تا مردم بدانند که کشور در عرصه سیاست خارجی در کدام راه پیش میرود.

اقلاب ضد امپریالیستی است، آنگاه باید قبول داشته باشد که تمامی سیاست خارجی دولت میبایستی بر مبنای ضد امپریالیستی بی ریزی و اجراء شود؛ و در چنین صورتی، تمام قراردادهای اسارتگر نظامی و غیر نظامی، که با دولتها و انحصارات امپریالیست بسته شده، بلا درنگ لغو میگردد، هیچ قرارداد نظامی دیگری با هیچ کشوری بسته نمیشود، ایران در هیچ بلوک بندی نظامی شرکت نمیکند، یا هر گونه بلوک بندی نظامی در منطقه مخالفت میورزد، بر چیده شدن پایگاههای نظامی امپریالیستی را در منطقه خواستار میشود، همراه با دیگر کشورهای غیر متعهد در موضع ضد امپریالیستی برای دفاع از استقلال همه کشورهای، بخاطر تشنج زدنای، مهار مسابقات تسلیم جاتی، تأمین

ما، چاووشان نوزائی کبیر

ما، چاووشان نوزائی کبیر
 امیدواران چاره ناپذیر
 نه به «شک»، نه به طاعت تسلیم نمیشویم
 دور باد از ما خموشی خواب آلود
 و نرمش بیشکل سایه‌ها
 شاید پوستهای ما سیاه باشد یا سپید
 و موهای ما سپید باشد یا سیاه
 ولی در همه حال
 شعله روان ما ارغوانی است.

آری شعله روان ما ارغوانی است
 با اخگرهای جهنده و گستاخ
 هماهنگ کوبش نیض زمانه
 بگذار چیزهای نوی پدید آیند
 انسانها، تلاشها، پیوندهای نو
 سرودها، شورها، سوگندهای نو
 و براین نوزائی بزرگ
 ما با ده جان خود را می افشانیم.

آیا «سامورای» ما را در دیگ نجوشانید؟
 آیا «اس. اس.» ما را در کوره نسوزانید؟
 آیا شاهان ما را از دارها نیاویختند؟
 آیا سناها ما را محکوم نکردند؟
 همه چادویان تاریکی برای ما آرزومند یک گور بزرگند
 و نانهای تلخ زندان و ناقوس شوم اردوگاه
 ولی شهسوار ما غرق نشده نه در بر که خون، نه در گرداب مرکب
 و نه در خاکسترهای گرم سوختگاه
 و او گرم تافتن است
 با مردمکی سوزنده از انتظار
 بسوی سپیده، بسوی بهار
 ای همه محرومان از نان و سایبان
 ای بردگان زیر تازی نملاتی
 ای کسانی که در چهره خموشتان طوفان شعله و راست
 وای کسانی که دیده تان نیست جز برای سرشک
 و گلویتان نیست جز برای فریاد
 و ثروت شما مصیبت شماست
 ای کسانی که پروانه های آرزو را در دود ستمها کردید
 ای شهدایان لیختن کودکا
 و پیچیده صلح آمیز بارانها
 شما را بسوزمین موهود میخوانند
 پیهمان امید ورزم برای میلادی نوین

با آنهمه طوفانهای سیاه که برس ماغرید
 نهال مان نهزمرد، گیاه مانهوسید
 ابعاد زمان را بیش از پیش دربر میکشیم
 و هر چه را از ستاره ها می آویزیم
 زیرا ما سپاه عنود رستاخیزیم
 و سرانجام نستر نهایی پیر را خواهیم رویاند
 باخوشه های نورانی شبنم آرزو
 و کوجه ها را آذین خواهیم بست
 با امیدهای بی تزویر
 ما گردان بی شکست،
 ما چاووشان نوزائی کبیر

احسان طبری
روزنامه «مردم» - مرداد ۱۳۴۶

چرا به مهاجران سیاسی و خانواده های آنان گذرنامه نمی دهند؟

سیاسی در کشورهای سوسیالیستی، بدون در دست داشتن گذرنامه به میهن بازگشتند.
 با اینکه آن عده از مهاجران سیاسی که هنوز در کشورهای سوسیالیستی بسر میبرند و آن عده از مهاجران سیاسی که اینک در ایران بسر میبرند، مصرانه و بکرات، رسماً و کتیباً، از مقامات دولتی خواستار صدور گذرنامه برای خود و برای خانواده های خود شده اند، ولی متأسفانه بخواست محقانه و قانونی آنها بدون دلیل هنوز پاسخ مثبت داده نشده است. یرش ما اینست که:

چرا به مهاجران سیاسی و خانواده های آنان که هنوز در خارج از کشور هستند، گذرنامه داده نمیشود؟
 چرا به خانواده های آن مهاجران سیاسی که اینک در ایران بسر میبرند، گذرنامه داده نمیشود؟
 ما از دولت موقت و وزارت امور خارجه می طلبیم که بیدرتک این خواست بحق و قانونی را برآورده سازند و دستور صدور گذرنامه برای مهاجران سیاسی و خانواده های آنان را صادر کنند.

ارهمان روزپیروزی انقلاب بزرگ مردم ایران، مهاجران سیاسی آمادگی خود را برای بازگشت فوری به میهن اعلام داشتند. و این کاملاً طبیعی بود. ایرانیانی که بملت پیگرد رژیم شاه - ساواک مجبور به مهاجرت شده اند، ایرانیانی که در مهاجرت سیاسی اجباری هم از مبارزه برضد امپریالیسم ورژیم وابسته پهلوی دست نکشیدند، طبیعی است که پس از سرنگونی این رژیم بخوانند به میهن خود بازگردند و در یکبار بخاطر حفظ و تحکیم و گسترش

مبارزان فراموش نمیشوند



راداشت، فعلاً نه میکوشد و محبوبیت فراوان کسب میکند.
 یورش جنگیزی ارتش شاه مخلوع، بدستور امپریالیستها بر آذربایجان، که با خون و آتش و مرگ و غارت بسیار همراه بود، ضربات سنگین بر نهضت خلقی ما وارد ساخت. در این هنگام بود که رفیق حسن همتمی نیز زندانی میشود و چندین سال را در سیاهچال های محمدرضای قاجر میگذراند، ولی در اراده و ایمانش ذره ای تزلزل حاصل نمیشود.
 پس از چندین سال زنجیر از طرف دستگاه جور و ظلم محکوم میشود که تا ابد در شهرستان خوی بحالت تبعید و تحت نظر بماند. در تمام این مدت و تا همین اردیبهشت امسال، وی مظهری از مقاومت و پایداری باقی ماند و سرمشتی بود برای جوانانیکه او و حزب او را میشناختند.
 سیام اردیبهشت، در نخستین بهار آزادی، حزب ما با سرد فراروان از یک رفیق قدیمی، که از نخستین روز همراه و همکامش بود، وداع کرد. ما در عین حال که به خانواده رفیق حسن همتمی تسلیت میگوئیم و خود را در سوگ آنان شریک میدانیم، ابراز اطمینان میکنیم که حزب همتمی ها آرزوها و آرزوهای شریف مبارزان ثابت قدمی چون وی را با تکیه به خلق زحمتکش، تحقق خواهد بخشید.

پیرامون اعتصاب کارآموزان قضائی زن تأمین برابری حقوق زن و مرد ضرورت انقلاب است

وقتی درجه رشد و آگاهی و بلوغ سیاسی زنان تا آن حد مورد قبول جامعه و رهبران انقلاب است که زن در کسوت رئیس جمهور، یعنی بالاترین مقام رسمی کشور می تواند انجام وظیفه کند، وقتی زن از چنان صلاحیتی برخوردار است که می تواند سر نوشت یک ملت را در دست گیرد، مسخره نیست که او را برای قضاوت در باره یک پرونده و تیز حق از باطل در این یا آن مورد، فاقد رشد بدانیم و از حق قضاوت محروم کنیم؟
 متن جدید قانون اساسی صراحت دارد که «... شش اشخاص مختصوم و از تعرض مصون است؛ و چون چنین است، چرا زنان نباید بتوانند شغلی را انتخاب کنند که با رغبت آنرا برگزیده، در راه فراگیری سرانجام با احراز موفقیت، شایستگی خود را نشان داده اند؛ چرا فارغ التحصیل های مرد رشته قضائی باید حقد داشته باشند قضائی شوند، اما فارغ التحصیل های زن رشته قضائی را فاقد بلوغ عقلی و درک قضاوت بدانند؟
 زنان با شرکت فعال در انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک ما نشان دادند که از حد اکثر بلوغ سیاسی برخوردارند، زنان که سالیان دراز حقوق سیاسی، اقتصادی و اجتماعی شان پامال یک رژیم تبهکار بوده، اکنون در بهار آزادی ایران، در دوران بازسازی سر نوشت زن و مرد ایرانی، حق دارند متوقع باشند که حقوق مسلم شان ملحوظ گردد و بارهای شکنجه زای گذشته از گردن شان برداشته شود.
 نبردهای ضد انقلاب که با تمام قوا سرگرم تخریب و دسیسه و توطئه و ناراضی ترانی هستند، در مورد زنان نیز با همه قدرت در کارند، تا با شایعه پراکنی های بی اساس و باستاندبه برخی اقدامات و تصمیمات ناسنجیده دولت و برخی کمیته ها، نیمی از جمعیت کشور ما را، که نقش شایسته ای در دگرگونی های اخیر میهن ما داشته اند، به انقلاب بد بین و از ثمرات انقلاب نومید

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته به شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.
 نشانی:
 خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:
 ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

چرخ تاریخ با اینکه کند شد، از حرکت باز نماند و سرانجام انقلاب بزرگ و همه خلقی مردم میهن ما، بساط فرمانروائی محمد رضا و همه پشتیبانانش را درهم پیچید و این باد سکه پیروزی نهائی بنام خلقهای میهن ما زده شد.
 پس از گذشت بیش از یک ربع قرن، این مردم آزاد شده از زنجیر استعمار و استبداد هستند که برای نخستین بار، در محیطی آزاد از یقید اسارت امپریالیسم و استبداد سلطنتی، از روز ۲۹ خرداد یاد میکنند.

مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران فعلاً هر هفته به شماره، شنبه، دوشنبه و چهارشنبه منتشر می شود.
 نشانی:
 خیابان ۱۶ آذر، شماره ۶۸، تلفن:
 ۹۳۳۴۵۹ و ۹۳۵۷۲۸

۲۹ خرداد، روزیکه از شرکت غاصب نفت انگلیس خلع ید شد

نفت و لزوم کوتاه کردن دست تاراجگران بین المللی از این منبع ذخار، بحلقه اساسی مبارزات ملی و ضد امپریالیستی مردم تبدیل شده بود. با اینجهت در سراسر جریان مبارزات پیگیری که برای نیل به این هدف مبذول میگردد، نه تنها بریتانیای کبیر، بلکه تمام قدرتهای امپریالیستی، که هر کدام از آنها در یک گوشه از قاره های آسیا، آفریقا و امریکای لاتین سرگرم تاراج خلقهای دیگر بودند، برای اینکه مبادا پیروزی مردم ایران ملتهای دیگر را بقیام و جنبش علیه مظالم امپریالیسم وا دارد، و در پیشاپیش آنها امپریالیسم امریکا، خود را برس راه مبارزات مردم قرار دادند. و لسی علیرغم دسایس آنها و با

روز ۲۹ خرداد ۱۳۳۰ در تاریخ مبارزات ضد امپریالیستی مردم میهن ما، بخصوص در سالهای پس از جنگ دوم جهانی از اهمیت ویژه ای برخوردار است. در چنین روزی بود که دولت دکتر مصدق توانست با تکیه باراده خلق، از شرکت غاصب نفت انگلیس، که ملی مدت نیم قرن یکی از گرانها ترین گنجینه های زیرزمینی ما را بتاراج میبرد، خلع ید کند.
 در حقیقت این مبارزه چندین ساله مردم بود که در این روزنامه نهائی خود را بیار می آورد. از همان سالهای اول دهه پنجم قرن حاضر و آنکاه که هنوز جنگ جهانی دوم جریان داشت، مردم میهن ما علیه سلطه امپریالیسم بپا خاستند و از همان زمان مسئله

برقراری اتحاد همه نیروهای ضد امپریالیستی و دموکراتیک ایران در جبهه متحد خلق